

نگاهی به شیوه‌های تبلیغ مسیحی*

- حجت الاسلام سعد غنامی
سطح چهارم مجتمع آموزش عالی فقه
- مترجم: آقای محمود رضا توکلی
زیرنظر دکتر عزت الله مولایی نیا

چکیده

مسیحیت در معنای عام خود پدیده‌ای است که با شروع رسالت حضرت عیسی بن مریم (ع) آغاز گردید. اما این مفهوم توسط عده‌ای که با دین خدا بازی کرده‌اند دستخوش تحولات گردیده است. جامعه اسلامی از پدیده دعوت به مسیحیت سالم نمانده است، بلکه چه بسا جامعه اسلامی بیش از سایر جوامع قربانی دعوت به مسیحیت شده است، زیرا مبلغان مسیحی بیشترین مقاومت را از سوی مسلمانان در برابر خود دیده‌اند. دعوت به مسیحیت پدیده‌ای نو ظهور و پیشرفته است. پیشرفت دعوت به مسیحیت به سبب تعدیل اهداف و گسترش وسائل و مراجعه پیوسته به وسائل مطابق تعدیل اهداف است. به همین دلیل، شیوه‌های جدید برای محقق ساختن اهداف تعدیل شده متناسب با جوامع و شرایطی که دعوت به مسیحیت با آن مواجه بوده است به کار گرفته می‌شود، چندان که این پدیده در نزد برخی علم به حساب می‌آید و دارای مؤسسات آموزشی است و روش و برنامه‌های درسی و نظریات خاص خود را دارد.

مسلمانان از زمان قدیم متوجه حملات مسیحیت بوده‌اند و علمای بزرگ و متفکران اسلامی در برابر آنها ایستاده‌اند و پاسخهای علمی در رد مسیحیت تحریف

* وصول: ۱۳۸۸/۴/۱۵؛ تصویب: ۱۳۸۸/۵/۲۵

شده ارائه نموده اند.

هدف ما در این مقاله جلب توجه به سوی خطر هجوم تبلیغاتی بی رحمانه دعوت به مسیحیت و نیز نگاه گذرا به شیوه‌های به کار گرفته شده در تبلیغ مسیحیت است. این بحث با اشاره مختصر به راهکارهای مقابله با این خطر بزرگ به پایان می‌رسد. **کلید واژه‌ها:** تبلیغ مسیحیت، مبلغان مسیحی، تبشیر، اهداف، وسائل تبلیغ مسیحیت.

ضرورت بحث

بررسی این موضوع به سبب پنج دلیل ضرورت دارد:

۱. دعوت به مسیحیت خطری است که مسلمانان را از زمان بسیار دور تهدید می‌کرده است. امروزه این دعوت دستانش را دراز کرده و دندانهایشان را نشان می‌دهد و آستینهای خود را بالا زده است تا با عقیده اسلامی در افتد. پس ناگزیر باید بر طبل خطر کوبید تا کسانی که نمی‌شنوند و نمی‌دانند بشنوند و آگاه گردند. به ویژه اگر بدانیم که دعوت به مسیحیت امروزه به شیوه‌های فریبنده و ناجوانمردانه انجام می‌شود که چه بسا از راه رفتن مورچه بر روی سنگ در شب تاریک هم مخفیانه تر است.
۲. لزوم مقاومت مسلمانان در برابر خطر دعوت به مسیحیت و ایستادگی در برابر آن در هر جا و در هر زمان.
۳. به دلیل تلاش بیشتر فکری که مسلمانان در جهت دعوت به سوی خداوند انجام می‌گیرد.
۴. آشنایی با شیوه‌هایی مانند این موضوع جهت اشتیاق به تعدیل این تصور در اذهان توده مسلمانان و فرهنگیان و دانشجویان لازم است. به این معنا که مسلمانان این مسئله را در خاطر خود بسپارند و برای آن اهمیت قائل شوند که حرکت دعوت

به مسیحیت خطر جدیدی است که اصول باورها و اعتقادات اسلامی را نشانه گرفته است.

۵. آشنایی با این بحث از این جهت نیز لازم است که توجه مسلمانان را به این مسئله جلب کند که عده‌ای از مسلمانان دین مسیحیت را پذیرفته‌اند و اجلاس‌هایی برای مسیحی نمودن مسلمانان برپا می‌شود. عده‌ای از مسلمانان هنوز مسیحی نشده‌اند، اما اسامی خود را از عبدالله به جورج و یا جوزف تغییر داده‌اند و از مسیحیت متأثر گشته‌اند و به زودی ممکن است دین مسیحیت را بپذیرند. این طیف از مردم ممکن است به اندازه خود مسیحیها مسیحی نباشند، اما اگر پسر و یا دخترشان مسیحی گردند می‌گویند انسان آزاد است و می‌تواند هر دین و مذهبی را که بخواهد انتخاب کند.

معنای لغوی دعوت به مسیحیت (تنصیر)

در *لسان العرب* آمده است: «نصره»، یعنی وی را مسیحی قرار داد (ابن منظور، *لسان العرب*: ۵ / ۲۱۲). قول فیروز آبادی در *قاموس المحيط* نیز نزدیک به این معناست: «تنصر»، یعنی وی را در دین خود داخل کرد و «نصره»، یعنی وی را مسیحی قرار داد (فیروز آبادی: ۲ / ۱۴۳). شبیه به این معنا را *زییدی در تاج العروس* بیان داشته است (زییدی: ۷ / ۵۳۱).

معنای اصطلاحی دعوت به مسیحیت (تنصیر)

دعوت به مسیحیت (تنصیر) در اصطلاح عبارت است از دعوت مردم به داخل شدن در دین مسیحیت. اگر هم به دین مسیحیت نگردند، باید از دین خود شان خارج گردند. این دعوت به ویژه درباره مسلمانان به کار می‌رود (علی بن ابراهیم، «الاستشراق فی خدمة التنصیر والیهودیه» ۱۹۹۰).

این اصطلاح در دایرة المعارف «المیسرة» این گونه تعریف شده است: «تنصیر» حرکت دینی - سیاسی است که بعد از شکست در جنگهای صلیبی به منظور نشر مسیحیت بین امتهای مختلف در کشورهای جهان سوم به صورت عام و بین مسلمانان به صورت خاص به وجود آمد.

مراد از اصطلاح «تنصیر» و دعوت به مسیحیت عبارت است از تلاش کلیسا و مبلغان مسیحی جهت دعوت به مسیحیت چه به صورت عملی و یا به صورت دعوت محض که از طریق آن در نظر دارند مردم را به دین مسیحیت بکشانند. تفاوتی هم نمی‌کند که این مردم مسلمان باشند و یا بت پرست. آنان در نظر دارند در دین مسلمانان تشکیک ایجاد کنند و آنها را از دینشان خارج نمایند و یا در نظر دارند مسیحیان را در دینشان ثابت قدم نگاه دارند و آنها را به دینداری فرا بخوانند. بنابراین، «تنصیر» یا همان دعوت به مسیحیت از «نصرانیت» گرفته شده است و «نصرانیت» عبارت است از اسم شرعی برای دین نصرانی و مسیحیت و یا نامی که پیروان حضرت عیسی (ع) به آن نامیده شده‌اند.

بنابراین، «تنصیر» در معنا و مفهوم اصطلاحی خود معنای لغوی را نیز در بر دارد که عبارت است از دعوت به پذیرفتن مسیحیت و یا داخل نمودن غیر مسیحی در دین مسیحیت.

تبشیر

اصطلاح «تبشیر» یا همان دعوت به مسیحیت از اصطلاحاتی است که در کتابهای عربی فراوان به کار می‌رود. این اصطلاح مرادف اصطلاح «تنصیر» است. «تبشیر» عبارت است از تبلیغ و دعوت به مسیحیت. مسیحیان به حسب دوره‌های مختلفی که بر مسیحیت گذشته است تعریفهای متفاوتی از تبشیر دارند. گاهی مسیحیان تبشیر را برای فرستادن مبلغان مسیحی به کار می‌بردند که پیام انجیل را برای کسانی

که به انجیل باور نداشتند تبلیغ می‌کردند گاهی نیز آن را برای کسانی به کار می‌بردند که تلاش می‌کردند آموزه‌های عهد جدید را به کسانی که معتقد به آن نبودند برسانند. گاهی نیز برای کسانی تبشیر را به کار می‌بردند که اخبار خوشحال‌کننده را به افراد و گروهها می‌رساندند تا یسوع مسیح را به عنوان پروردگار مخلص بپذیرند و وی را از طریق عضویت در کلیسا پرستش کنند. در هر صورت، اگر موفق نمی‌شدند افراد و گروهها را به دین مسیحیت جذب نمایند، آن وقت تلاش می‌کردند تا با وسائل و شیوه‌های گوناگون آنها را از دینشان منصرف نمایند (عثمان بن صالح، النصرانية والتنصير ۱۹۸۹: ۴۷).

به کار گرفتن تبشیر که اغلب برای دعوت به مسیحیت استفاده می‌شود نادرست است، زیرا کلمه تبشیر بر این امر دلالت می‌کند که آن گروه مردم را به بشارت دعوت می‌کنند و آنان را به امنیت و رحمت و نیکی و سخاوت و سعادت و نیکبختی بشارت می‌دهند، در حالیکه آنها این گونه نیستند. شایسته است کلمه تبشیر برای مسلمانان به کار گرفته شود، زیرا بشارت دهنده حقیقی مسلمانان است. کلمه تبشیر از صفات پیامبر(ص) است که خداوند در قرآن کریم درباره پیامبر بیان داشته است: «ما أرسلناك إلا شاهداً ومبشراً ونذيراً» (الاحزاب: ۴۵).

کسی نیز که بر دین پیامبر باشد، در واقع بشارت دهنده حقیقی است. بنابراین، تبشیر این است که مسلمان کسی را به سوی حق دعوت کند و نباید بر کسی اطلاق شود که مردم را به مسیحیت دعوت می‌نماید. برخی از نویسندگان کلمه تبشیر را به کار گرفته‌اند و از آن فعالیت مسیحیت را در جهت تبلیغ مسیحیت قصد نموده‌اند. از این قبیل است آنچه عمر فروخ و خالدی در کتاب بزرگ خود نوشته‌اند: التبشیر والاستعمار في البلاد العربية. إبراهيم الجبهان نیز در کتاب خود این عنوان را آورده

است «ما يجب أن يعرفه المسلم عن النصرانية والتبشير» مصطفي غزال و کسانی دیگر از نویسندگان نیز کلمه تبشیر را به جای تنصیر به کار گرفته‌اند که بهتر است همان تنصیر گفته شود.

تاریخ دعوت به مسیحیت

دعوت به مسیحیت مراحل مختلفی را پیموده است.

مرحله اول: دعوت حضرت مسیح (ع): از زمان بعثت حضرت مسیح (ع) دعوت به مسیحیت شروع شد. در آن زمان حضرت مسیح (ع) مردم را به توحید خالص فرا می‌خواند. خداوند متعال در این مورد می‌فرماید: «وقال المسيح يا بني إسرائيل اعبدوا الله ربي وربكم إنه من يشرك بالله فقد حرم الله عليه الجنة ومأواه النار وما للظالمين من أنصار» (المائدة: ۱۷۲).

مرحله دوم: مسیحیت تحریف شده و دعوت به آن: پولس اولین مبلغ و دعوت کننده به مسیحیت تحریف شده و بنیانگذار جهانی دعوت به مسیحیت شمرده می‌شود. پولس در اصل یهودی بود که با مسیحیت می‌جنگید. آنگاه ادعا کرد که مسیحی شده است و مردم را به مسیحیت تحریف شده فرا می‌خواند و مبلغانی را برای دعوت به مسیحیت می‌فرستاد. برخی از مسیحیان وی را «پولس مخلص» می‌نامند (علی بن براهیم، همان: ۲۳۷).

مرحله سوم: جنگهای صلیبی: جنگهای صلیبی از انواع دعوت به مسیحیت شمرده می‌شود که در آن قدرت و حمله نظامی تعقیب می‌شد. در خلال حملات صلیبی هشتم مناظره و گفت‌وگوی بین علما و روحانیون اسلامی و روحانیون مسیحی انجام می‌گرفت و این حملات در افزایش تعداد کلیساها و مسیحیان تأثیرگذار بود. اما مسیحیان از لحاظ نظامی موفق نبودند و از نظر اعتقادی نیز موفق

نشوند مسلمانان را درباره دین خود به شک بیندازند، بلکه بر عکس جنگهای صلیبی موجب شد که مسلمانان بیش از گذشته به دین خود پایبند گردند.

مرحله چهارم: شرق‌شناسان در خدمت دعوت به مسیحیت: بعد از شکست جنگهای صلیبی، مرحله مهم و خطیر دعوت به مسیحیت آغاز شد. ریموند لول، شرق‌شناس و مبلغ مسیحی اسپانیایی، معتقد است که این مرحله دارای اهمیت بسیار زیادی برای تبلیغ مسیحیت است. لذا وی زبان عربی را آموخت و به کشورهای اسلامی مسافرت کرد و با علمای اسلامی در کشورهای زیاد گفت‌وگو نمود و از این طریق شبهات و شکهای فراوانی را موجب گشت (همان).

مرحله پنجم: دوران طلایی استعمار برای دعوت به مسیحیت: مرحله استعمار و اشغال کشورهای اسلامی در طی دو قرن سیزده و چهارده هجری در واقع امتداد جنگهای صلیبی به حساب می‌آید. دعوت به مسیحیت زمینه‌ساز استعمار و اشغال گردید، آنگاه استعمار دعوت به مسیحیت را آسان ساخت. در این خلال، دعوت به مسیحیت با راه‌اندازی مجموعه‌های از مؤسسات، اعزام مبلغ، تأسیس دانشگاهها و برپایی همایشهای تبلیغی دارای سازمان گردید.

همایش کولارادو در سال ۱۹۷۸ م که تحت عنوان «همایش آمریکای شمالی برای مسیحی نمودن مسلمانان» منعقد گردید، از مهم‌ترین همایشهای تبلیغی در جهان اسلام شمرده می‌شود که در آن ۱۵۰ نفر شرکت نمودند. این همایش دو هفته ادامه داشت و در آن مباحثی درباره تبلیغ انجیل و تقدیم انجیل به مسلمانان، به کارگیری غذا و بهداشت به عنوان دو عنصر اساسی برای مسیحی نمودن مسلمانان و فعالیت کلیساهای محلی برای دعوت جهان اسلام به مسیحیت مورد بحث و بررسی قرار گرفت که به گفته لورانس براون، مبلغ مسیحی؛ «انتقال گسترده مسلمانان به مسیحیت در جایی اتفاق نمی‌افتد مگر بعد از اینکه آنجا تحت سیطره حکومت غربی مسیحی قرار بگیرد» (ممدوح حسین، مدخل إلى تاریخ حركة التنصیر ۱۴۱۶: ۹۱۶).

اهداف دعوت به مسیحیت:

از خلال بیان مجموعه‌ای از مفاهیم درباره دعوت به مسیحیت این امکان به وجود می‌آید که بتوانیم تعدادی از اهدافی را که مبلغان مسیحی برای تحقق آن از وسائل و ابزارهای گوناگون استفاده نموده‌اند به دست آوریم. برخی از اهداف مبلغان مسیحی کوتاه مدت و برخی دیگر بلند مدت است که نتایج آنها به صورت ملموس روشن نیست. از مهم‌ترین اهدافی که مبلغان مسیحی به ویژه در مورد مسلمانان در صدد تحقق آن‌اند، تبلیغ مسیحیت است که می‌توان آن را به قرار ذیل بیان داشت.

اهداف دینی دعوت به مسیحیت:

۱. دعوت به مسیحیت نخستین هدف است به قرار ذیل صورت می‌پذیرد:
 - الف) اعتقاد به اینکه مسیحیت دین حق است و باید به آن ایمان آورد.
 - ب) تصور اینکه مبانی، روایات و آموزه‌های مسیحیت از مبانی و روایات سایر ادیان بهتر است.
 - ج) تصور اینکه پیشرفتی که غربیان آن رسیده‌اند به سبب این بوده که آنان دین مسیحیت را پذیرفته‌اند، در حالی که جهان اسلام به سبب پذیرفتن دین اسلام از عقب ماندگی رنج می‌برد (علی بن ابراهیم، همان).
۲. تلاش برای اینکه مسیحیان به دین اسلام نگردند.
این هدف متوجه جوامعی است که در آن مسیحیت در اقلیت است و برخی از مبلغان مسیحی از آن به حفاظت مسیحیان از متأثر شدن از اسلام یاد نموده‌اند.
۳. بد معرفی کردن دین اسلام.
 - الف) تلاش برای خارج کردن مسلمانان از اسلام، زیرا وقتی مسلمانان از دین خود خارج گردند و مرتد شوند، در واقع دین اسلام خدشه‌دار جلوه می‌کند. همین امر مصداق قول خداوند است که می‌فرماید: «وَد كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُم

من بعد ایمانکم کفاراً حسداً من عند أنفسهم من بعد ما تبين لهم الحق» (بقره: ۱۰۹). زویمر، یکی از شخصیت‌های محوری در بین مبلغان مسیحی، می‌گوید: هدف مسیحیت صرفاً این نیست که مسلمانان را در دین مسیح داخل نماید که اگر چنین بشود، در واقع هدایت صورت گرفته و کار بزرگ شده است، بلکه تلاش شما و هدف شما این باشد که مسلمان را از اسلام خارج کنید تا هیچ ارتباطی و پیوندی با خدا نداشته باشند (احمد عبدالوهاب، حقیقة التبشير بين الماضى والحاضر ۱۴۰۱: ۱۶۲).

ب) پاشیدن بذره‌های نگرانی و شک در روایات و مبانی اسلامی در میان کسانی که نمی‌توان دین را از آنها گرفت و همچنان بر ماندن بر دین اسلام اصرار دارند (علی بن ابراهیم، همان).

از خلال اهدافی که بیان شد روشن می‌شود که اهداف متنوعی را می‌توان یافت که باهم متباین و متناقض‌اند و تفسیر آن به انگیزه و هدف مبلغ مسیحی که عهده دار تبلیغ مسیحیت است باز می‌گردد: برخی از مبلغان مسیحی گمان می‌کنند که بر حق‌اند و قصد دارند مردم را به حق برسانند. بنابراین، در تبلیغ خود فقط به این امر اکتفا می‌کنند که غیرمسیحی را مسیحی نمایند. در مقابل این نظریه برخی دیگر از مبلغان قرار دارند که هدفشان این نیست که مسلمانان را از دین خود خارج و به دین مسیحیت داخل سازند، بلکه هدفشان این است که مسلمانان را از دین اسلام خارج نمایند.

اهداف سیاسی دعوت به مسیحیت

۱. دامن زدن به آشوبها و تشویق مسلمانان به دامن زدن مسائل قومی و مذهبی در کشورهای اسلامی و جاسوسی کردن در حوزه‌های سیاسی و نظامی به نفع کشورهای مبلغان مسیحی.

۲. تلاش جهت از بین بردن وحدت و عزت اسلامی و ناکام نمودن تلاشهای مسلمانان.

۳. جانداختن این تفکر که نژاد مرد غربی سفید پوست نسبت به سایر نژادهای بشری بهتر است و فرهنگ‌سازی مفهوم طبقه بالا و پایین جهت تأیید و تقویت انواع اشغال و نیز پیروی سیاسی ملتها و حکومت‌های اسلامی از مرد سفیدپوست. از اینجاست که جهان اسلام حاضر می‌شود اشغال را بپذیرد و سرنوشت و امکانات خود را در اختیار غربیها قرار دهد.

۴. پذیرفتن سلطه غربی - مسیحی از سوی جهان اسلام و ذخایر خود را در اختیار غرب قرار دادن.

۵. تضعیف روح برادری اسلامی بین مسلمانان در جاهای مختلف جهان با زنده شدن روحیه قوم پرستی چنان که قبل از اسلام وجود داشت (علی بن ابراهیم، همان: ۱۰).

سایر اهداف دعوت به مسیحیت

۱. از بین بردن اسلام در نظر مسلمانان و تبدیل مسلمانان به انسانهای مسخ شده که از اسلام به جز اسمش چیزی دیگری را همراه ندارند. این همان چیزی است که مبلغ آمریکایی (زویمر) به آن تصریح کرده و چنین بیان داشته است: «من به مسلمان مانند یک انسان اهمیت نمی‌دهم. مسلمان شایستگی انتساب به مسیح را ندارد. لذا باید مسلمان را غرق در شهوات نمود و باید تشویق کرد تا غرائز خود را به صورت آزاد رها نماید تا جایی که مسخ گردد و شایستگی هیچ چیزی را هم نداشته باشد» (هیم ماکبی، بولس و تحریف المسیحیة ۱۴۱۱: ۱۰۳).

۲. سود مادی و تجاری. در آفریقا کشف شده است که کلیسا چیزی جز برنامه تجاری نیست. مبلغان مسیحی اجناس عالی آنها را می‌گیرند و کلیسا با قیمت ناچیز

آن را خریداری می‌کند. چه بسا برخی از کسانی را که به مسیحیت دعوت می‌کنند و ادار می‌سازند تا برای آنها کار کنند.

۳. ترویج فرهنگ غرب. مبلغان مسیحی فرهنگ غربی را در جامعه اسلامی ترویج می‌کنند تا جامعه اسلامی در رفتار خود در بعدهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و اعتقادی از اصالت اسلامی خود رهایی یابد و زندگی خود را بر اساس الگوهای غربی بنا سازد و در این مورد روبرت ماکس، یکی از مبلغان مسیحی در آمریکای شمالی، می‌گوید: «هرگز تلاش ما در تبلیغ مسیحیت متوقف نمی‌شود تا اینکه صلیب در آسمان مکه بلند گردد و در مدینه برافراشته گردد» (شلیبی، الزحف إلى مكة ۱۴۰۹: ۱۳)

ابزار تبلیغ مسیحیت

قبل از ورود به بحث ابزار تبلیغ، لازم است ابزار تبلیغ را به حسب انواع و اشکال آن تقسیم بندی کنیم. ابزار تبلیغ از جهتی به آشکار و مخفی یا غیر آشکار تقسیم می‌شود. از جهت دیگر نیز می‌توان ابزار تبلیغ را به دو قسم سنتی و مدرن تقسیم نمود. ابزار تبلیغ مدرن عبارت است از ابزار پیشرفته‌ای که جهان امروز از طریق تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات و تنوع و تعدد ابزار ارتباطی بدان رسیده است. نویسندگان و مبلغان خارجی از این ابزارها غفلت نکرده‌اند، بلکه اهمیت بسیاری به آن داده و برای به دست آوردن نتیجه مطلوب نهایت تلاش را نموده‌اند. مبلغان مسیحی به این ابزارهای جدید توجه جدی کرده‌اند و متناسب با شرایط زمانی و مکانی تعدیلات مناسب را برای ابزارهای جدید به کار بسته‌اند. برخی از نویسندگان تا هفتصد روش را برای تبلیغ مسیحیت بیان داشته‌اند. برخی دیگر نیز نقشه‌ها و طرحهایی را برای تعدادی از راهبردهای دعوت جهانی به مسیحیت پیشنهاد کرده‌اند. مبلغان عنصر زمان را هم در نظر گرفته‌اند و به خصوص در مورد برنامه‌ریزیهایی

برای آینده اندیشیده‌اند و با توجه به آینده و برنامه‌ریزی برای آن، جهت استفاده درست از ابزارهای جدید تبلیغی تلاش کرده‌اند. آنان با ارزیابی و مراجعه به شیوه‌های استفاده شده در گذشته به هیچ وجه تلاش‌های گذشته خود را فراموش نکرده‌اند و از همان روشها با ابزارهای جدید و شیوه‌های نوین بهره گرفته‌اند. روشن‌ترین و بارزترین وسیله تبلیغ عبارت است از تبلیغ آشکار مسیحیت.

ابزار آموزش در دعوت به مسیحیت

آموزش شریف‌ترین چیزی است که انسان عاقل برای آن تلاش می‌کند. بی‌شک آموزش تأثیری بسیار در جوامع دارد. به همین سبب مبلغان مسیحیت تلاش کرده‌اند تا آموزش را وسیله تبلیغ قرار بدهند. لذا آموزش از بزرگ‌ترین ابزارهای آنها برای دعوت خردسالان و بزرگسالان به مسیحیت شمرده می‌شود. این امر نیز به چند شیوه صورت می‌گیرد:

۱. ایجاد مدارس در سطوح مختلف از مهد کودک گرفته تا بالاتر از آن، از مؤسسات آموزشی و دانشگاهها. گاه مسیحیان در بسیاری از روستاها و برخی از شهرها مدرسه‌هایی را تأسیس می‌کنند که تحصیل در آن برای فقرا مجانی است (فوزی، الحیل وایسالیب فی الدعوة إلى التبشیر: ۷۸).

۲. آموزش زبان انگلیسی. روشن است که هرچند مسلمانان متوجه نباشند، زبان خود حامل ارزشهاست و گاه همراه آموزش زبان دعوت به اباحیگری و دعوت به مسیحیت نیز وجود دارد. در تدریس زبان برای استادان ویژگیها و مقرراتی در نظر گرفته می‌شود و آداب و رسوم غربی و مسیحی لحاظ می‌شود، به گونه‌ای که محصل زبان انگلیسی با آن انس بگیرد و آن را نامأنوس نداند (الهجمة النصرانية: ۱۵).

۳. مبلغان مسیحی دخالت مستقیم در مدارس دولتی دارند و در برنامه‌ریزی تربیتی در برخی مراحل بالای آموزشی مشارکت می‌کنند، بلکه چه بسا برنامه‌ریزیهای کلی

و دراز مدت مؤسسه‌های علمی و آموزشی دینی در کشورهای عربی و اسلامی به مبلغان مسیحی برمی‌گردد. آنان با این شیوه قصد دارند تا برنامه و شیوه تربیتی و آموزشی مؤسسات آموزشی غربی جایگزین مؤسسات دینی اسلامی گردد (علی بن ابراهیم، التنصیر: ۱۱۲).

۴. فرستادن فرزندان مسلمان به کشورهای غیراسلامی و تلاش جهت مسیحی نمودن آنها. اگر هم این امر تحقق نیابد و فرزندان مسلمان مسیحی نشوند، حداقل بتوانند آنها را از دین خود خارج سازند و یا غرق در شهوات حرام نمایند. (همان: ۱۵). گروههایی از محصلان مورد تهاجم قوی مبلغان مسیحی قرار می‌گیرند. این کار هم از طریق مکاتبه با محصلان و هم از طریق برنامه‌ریزی برای آنها از قبیل دید و بازدید از خانواده‌ها و انواع فعالیتهای اجتماعی از قبیل برپایی جلسات و محافل مختلف و دعوت به کلیسا و یا مکانهای مربوط به کلیسا مانند حیاط و ورزشگاه کلیسا انجام می‌گیرد (همان: ۱۲۳-۱۲۴).

۵. توجه ویژه به آموزش فرزندان اقلیت مسیحی در کشورهایی که مسلمانان و مسیحیان هر دو باهم زندگی می‌کنند، تا برتری فرزندان مسیحیان در عرصه علمی و اداری در مناطقی که اقلیت مسیحی در میان مسلمانان زندگی می‌کنند به اثبات برسد. به این طریق، دعوت مسیحیت از خلال موضع‌گیری بر ضد فرزندان مسلمان صورت می‌گیرد. ابوالاعلی مودودی از این امر شکایت می‌کند و چنین می‌گوید: مبلغان مسیحی در مناطق زیادی از آفریقا مسلمانان را از همه خدمات آموزشی محروم نموده‌اند... و به این صورت شوکت و برتری اقلیت مسیحی را تقویت کرده‌اند که در نتیجه مسیحیان طبقه حاکم گردیده‌اند» (المودودی: ۲۴)

وسائل تبلیغات مبلغان مسیحی

مبلغان مسیحی از زمانهای بسیار دور به استفاده از مطبوعات اهتمام داشته‌اند.

اولین چاپخانه عربی در اروپا در شهر فانو ایتالیا تأسیس شد که برخی از کتابهای مسیحی را در سال ۱۵۱۴م چاپ کرد. مبلغان مسیحی از وسائل تبلیغی چاپی برای انواع مختلف مطبوعات اعم از کتاب، نشریه، روزنامه و مجله بهره می گرفتند. در عرصه کتاب، مبلغان مسیحی توجه و عنایت خاص به پخش انجیل به زبانهای مختلف مسلمانان داشتند، زیرا انجیل مهم ترین کتاب مسیحیت است.

با توجه به نقش مهم مطبوعات در عرصه مسیحی نمودن افراد، مبلغان مسیحی برخی از دستاوردهای خود را به صورت چاپی تولید و توزیع می کردند. از جمله شیوه ها و اسلوبهایی که مبلغان مسیحی به کار می گرفتند، برگزاری مسابقه و اعطای جوایز مادی بود. از این طریق، مبلغان مذکور موضوعاتی را که بیشتر اهمیت داشتند. منتشر می کردند و آموزش می دادند (شلی، الزحف إلى مكة ۱۴۰۹: ۱۶۸).

انواع وسائل تبلیغات

الف) روزنامه: مبلغان مسیحی بر تبلیغ از طریق روزنامه متمرکز شده اند و خود اعتراف کرده اند که توانسته اند برای بیان آرا و عقاید مسیحی، روزنامه مصری را بیش از مطبوعات هر کشور اسلامی دیگر به کار بگیرند. توجه مبلغان مسیحی جهت نشر کتاب و روزنامه بیشتر به دو شهر بزرگ قاهره و بیروت معطوف بوده است. آمارهای سال ۲۰۰۴ م اشاره دارد که تعداد کتابهای چاپ شده مسیحیت از پنج میلیون کتاب بیشتر است و تعداد مجله های مسیحیت به ۴۱ هزار مجله رسیده است. تعداد انجیلهایی نیز که بین مردم پخش شده در همین سال بیش از ۶۵ میلیون جلد بوده است.

ب) رادیو: بی شک توجه به تبلیغ به خصوص از طریق رادیو وسیله خوبی برای مخاطب قراردادن توده عظیم مردم با اختلاف سطح فرهنگی، آموزشی و سنی آنهاست. به علاوه، از طریق رادیو می توان تا حد زیادی مناطق وسیع تری از کره

زمین را تحت پوشش قرار داد. از سوی دیگر، رادیو قادر است موانعی چون بی‌سوادی و امثال آن را در نوردد و همین امر موجب شده که رادیو در مقایسه با رسانه‌های چاپی تأثیر بیشتر و قوی‌تری داشته باشد. در عرصه تبلیغ مسیحیت بیش از دهها ایستگاه رادیویی وجود دارد که از سوی سازمانها و تشکلهای مبلغان مسیحی مشغول فعالیت در تبلیغ مسیحیت است. سازمان تبلیغات انگلستان از آن جمله است که برنامه‌های تبلیغاتی خود را از طریق ارائه برنامه‌های آموزش زبان انگلیسی برای عربی زبانها و غیر آنها انجام می‌دهد.

ج) تلویزیون: تلویزیون و شبکه‌های ماهواره‌ای از مهم‌ترین و موثرترین رسانه‌های تبلیغی و اطلاع‌رسانی به حساب می‌آید، زیرا تلویزیون بین مشاهده صورت، حرکت و صوت جمع کرده است. مبلغان مسیحی بر اهمیت این رسانه تأکید فراوان کرده‌اند. واتیکان بیان داشته است که قصد دارد بزرگ‌ترین شبکه تلویزیونی تبلیغی مسیحیت را راه‌اندازی نماید. این پروژه بر سه ماهواره بزرگ استوار است. آمارها حاکی از این است که بیش از ۳۵ شبکه تلویزیونی وجود دارد که برنامه‌های تبلیغاتی خود را در سراسر جهان پخش می‌کند. از جمله این شبکه‌ها، شبکه واتیکان است که به بیش از ۴۵ زبان برنامه پخش می‌کند که ۳۴ زبان آن از زبانهای مهم دنیاست. زمان پخش برنامه عربی به بیش از ۱۵۰۰ ساعت در هفته افزایش یافته است که در حدود هشت هزار ساعت در سال می‌شود (کرم شلبی، الإذاعات التنصيرية الموجهة إلى المسلمين العرب ۱۴۱۲: ۷۱-۸۷).

مبلغان مسیحی در پخش برنامه‌های دینی خود از طریق تلویزیون به دو شیوه عمل می‌کنند:

شیوه اول: پخش برنامه‌های دینی مسیحیت در میان برنامه‌های عمومی، اعم از اینکه آن برنامه خبری باشد و یا اجتماعی.

شیوه دوم: ایجاد و راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای مستقل به منظور تبلیغ و نشر

دین مسیحیت. مبلغان مسیحی چندین شبکه ماهواره‌ای به زبان عربی تأسیس نموده‌اند که به هشت شبکه می‌رسد و مهم‌ترین آنها شبکه «الحیاء» و شبکه «سات» است.

د) اینترنت: با ظهور شبکه جهانی اینترنت، سازمانهای مبلغان مسیحی به این فکر افتادند که از این شبکه جهت مسیحی کردن جهان استفاده نمایند. لذا به تأسیس «اتحاد مبلغان مسیحی در فضای مجازی اینترنت» اقدام کردند که همایش سالانه‌ای را با حضور نمایندگان مبلغان مسیحی برگزار می‌کند. این فعالیت تبلیغی مسیحیان از طریق شبکه جهانی اینترنت به بار نشست و هزاران پایگاه مبلغان مسیحیت راه اندازی شد که تعداد شان دهها

برابر پایگاههای اسلامی است. آمارها حاکی از آن است که تعداد پایگاههای مسیحی ۱۲۰۰ برابر پایگاههای اسلامی است.

طبابت و دعوت به مسیحیت

ابزار طبابت به چند دلیل برای مبلغان مسیحیت در اولیت بوده است.

۱. برآورده ساختن نیازهای درمانی مردم که نیاز شدید به درمان پزشکی داشتند.
۲. درمان پزشکی موجب می‌شود تا انسان با مردم احساس نزدیکی نماید و همین امر جلوی کارهای سلبی آنان را می‌گیرد و بهترین شیوه برای ایجاد جو اجتماعی توأم با محبت با مردم است. یکی از رهبران مبلغان مسیحیت به نام ه. ستورم می‌گوید: ثابت شده است که کار درمانی و طبابت کلید قلبهای بسته و وسیله دوستی صادقانه و از بین بردن روحیه تضاد است. مبلغ مسیحی دیگری به نام اید هاریس می‌گوید: بر پزشک واجب است فرصتها را غنیمت بشمارد تا بتواند از این طریق سخن خود را به گوش مسلمانان و قلوب آنها برساند.
۳. ارائه این گونه خدمات بخشی از اخلاق مسیحی شمرده می‌شود که مردم را به

کمک مردم و درمان آنها فرا می‌خواند.

ه) بنیجر درباره اینکه مبلغان اعزامی این شیوه را به عنوان وسیله تبلیغ مسیحیت به کار می‌برند می‌گوید: شناخت علت این کار بسیار ساده است، زیرا حضرت مسیح معلم و درمانگر و در واقع طیب بود و کاری که ما در طبابت انجام می‌دهیم، در واقع پیروی از کار حضرت مسیح است (عبدالله التل، جذور البلاء ۱۴۰۸: ۲۸۰).

اعزام گروه‌های پزشکی برای تبلیغ مسیحیت

اهمیت این وسیله تبلیغ مسیحیت به جز در دهه‌های آخر قرن نوزدهم که گروه‌های پزشکی در اروپا و آمریکا به وجود آمد و اقدام به بسیج پزشکان و پرستاران در مراکز تبلیغ مسیحیت نمود، همچنان بر مردم پوشیده باقی مانده بود. اعزام پزشکان از وسائل مهم تبلیغ مسیحیت گردید. مسیحیت از طریق تأسیس بیمارستانها و مطبهای سیار اقدام به تبلیغ می‌کند.

سازمانهای پزشکی مبلغان مسیحی

سازمان تبلیغات مسیحی چندین سازمان خدمات درمانی و پزشکی را در بسیاری از کشورهای اسلامی به کار گرفته است از جمله این سازمانها، سازمانهای ذیل اند:

- سازمان اوکسفام: این سازمان برای مراقبت از جانبازان فعالیت می‌کند.
- سازمان وحدت کلیساها و مبلغان مسیحیت در چاد.
- سازمان پیام دوستی و بخش نیکوکاری: این سازمان فعالیت زیادی در یمن دارد. علاوه بر این سازمانها، سازمانهای بسیار دیگری از سوی کلیساها وجود دارند که در حوزه درمانی و پزشکی فعالیت می‌کنند (همان: ۲۸۵).

سازمانهای بین‌المللی بشری در خدمت تبلیغ مسیحیت

سازمانهای بین‌المللی با اختلافی که در تخصص و اهمیت کاری آنها وجود دارد، اصولاً از فعالیتهایی که متعلق به دین و فرهنگ است اجتناب کنند و وظایف خود را انجام بدهند باید بدون اینکه جنبه سیاسی و اقتصادی را جهت تحقق اغراض و اهداف سیاسی و فرهنگی خود در قبال افراد خارج از سازمان در نظر بگیرند.

اما در واقع گذر زمان ثابت می‌کند که سازمانهای بین‌المللی، بر عکس وظایف خود، در خدمت نظریه غربی کردن جهان‌اند و به حسب راهنماییهای غربی در تعامل با دیگران سیر می‌کنند (فوزی غزال، همان: ۷۵)

از جمله علت‌های روشن و ظاهری این امر این است که کشورهای غربی از نظر مالی: این سازمانها کمک می‌کنند و بخش اعظم از بودجه این سازمانها را متقبل می‌شوند و برنامه‌های سازمانهای بین‌المللی را طراحی می‌کنند. روشن است که کشورهایی که بیشترین کمک مالی را به این سازمانها می‌کنند تأثیر بیشتری بر آنها دارند.

خوب است انسان برای فهم حقیقت به عملکرد این سازمانها توجه نماید که در همه فعالیتهای خود می‌کوشند فکر و اندیشه غربی را ترویج کنند. فعالیت سازمان بین‌المللی تربیتی، فرهنگی و آموزشی (یونسکو) سازمان بهداشت جهانی و سازمان حمایت از کودکان (اس.او.اس.) از این قبیل است. از جمله این سازمانها که در خدمت مبلغان مسیحی قرار گرفته‌اند می‌توان به سازمانهای ذیل اشاره کرد:

۱. سازمان پزشکان بدون مرز: سازمان پزشکان بدون مرز را برنارد کوشنیر در سال ۱۹۷۱ تأسیس کرد و اکنون یکی از بزرگ‌ترین سازمانهای بشری شمرده می‌شود. این سازمان در زمینه‌های مختلف خدمات پزشکی و کمکهای اولیه، در شرایط اضطراری کمکهای اجتماعی و بشری ارائه می‌کند.

سازمان پزشکان بدون مرز از پنج مرکز اجرایی تشکیل شده است (دفتر فرانسه،

بلژیک، سوئیس، اسپانیا، و هلند) و چهارده دفتر آن در جاهای مختلف جهان به جمع آوری کمک‌های مالی مردم مشغول‌اند تا برنامه‌های آگاهی بخشی خود را در مسائل مختلف و از جمله جهت حل مشکلات پزشکی و بشری برای مردم ارائه نمایند. (عبدالله التل، جذور البلاء همان: ۱۸۹).

۲. صلیب سرخ سوئیس: این سازمان نیز در عرصه بهداشتی و ساختن و تعمیر مراکز درمانی در کشورهای مختلف جهان فعالیت می‌کند.

ابزارهای دیگر تبلیغ مسیحیت

مبلغان مسیحی ابزارهای دیگری را نیز جهت رسیدن به اهداف خود به کار می‌گیرند. برخی از آن ابزارها بسیار صریح و آشکاراند و برخی دیگر پنهانی و غیرآشکار، برخی هم به صورت سنتی و کلاسیک‌اند و برخی به صورت مدرن. مهم‌ترین و روشن‌ترین وسیله برای تبلیغ مسیحیت عبارت است از تبلیغ صریح مسیحیت که خود بر دو نوع است:

نوع اول: تبلیغ مسیحیت به صورت علمی که مبتنی بر گفت‌وگو و مناظره و یا مبتنی بر سفسطه و تشکیک است.

نوع دوم: تبلیغ مسیحیت و مسیحی کردن از طریق اجبار و اکراه که نمونه بارز آن را می‌توان در جنگ‌های صلیبی و دادگاه‌های بازرسی و ربودن کودکان، دزدی دریایی و اشغال و استعمار مشاهده نمود. راه‌های تبلیغ علوم انسانی در اینجا برخی از وسائل تبلیغ مسیحیت را به استثنای ابزارهای آموزش، طبابت و رسانه متذکر می‌شویم که از جمله آن امور ذیل است:

۱. وسیله امداد و خدمات بشری

بودجه مبلغان مسیحی در این عرصه سالانه به ۱۸۰ میلیارد دلار می‌رسد. اما تعداد جمعیت مبلغان مسیحی که در عرصه امداد و کمک رسانی به دیگران مشغول فعالیت‌اند، در قیاس با جمعیت مسلمانان در همان عرصه اصلاً قابل مقایسه نیست، زیرا تعداد مسیحیان به مراتب بیش از تعداد مسلمانانی است که در همان عرصه مشغول فعالیت‌اند.

اگر بخواهیم در این مورد مثالی را از کشور افغانستان بیاوریم که امروزه بیش از ۲۵ سال است که به جنگ و ناامنی مبتلاست، خواهیم دید که تعداد جمعیت‌های اسلامی که در عرصه امداد رسانی کار می‌کنند بیش از هفت سازمان نیست، در حالی که جمعیت مسیحیان به بیش از ۲۵۰ سازمان از مجموع ششصد سازمان امداد رسانی می‌رسد (علی بن ابراهیم، التنصیر: ۱۱۳-۱۱۵)

۲. خاورشناسان و یا مستشرقان

کرسی تدریس زبان عربی در دانشگاه کمبریج در سال ۱۶۳۶ م ایجاد گردیده است. غربیان به صراحت گفته‌اند: این کرسی به این منظور ایجاد شده است که «کلیسا قلمرو خود را گسترش دهد و مسیحیت را در میان مسلمانان که در تاریکی زندگی می‌کنند ترویج نماید (طیب‌اوی، المستشرقون الناطقون بالإنجليزية: ۴۷۷). و راهبان نیز طلایه‌داران خاورشناسان بوده‌اند. (عقیقی، المستشرقون ۱۹۸۱: ۳/ ۲۴۹).

۳. وسیله مبادله فرهنگی

مبادله فرهنگی یکی از وسائل مهم و پنهان برای دعوت به مسیحیت شمرده می‌شود. معاهده‌ها و پیمان‌های فرهنگی بین کشورهای اسلامی و کشورهای خارجی منعقد می‌شود که بهره مسلمانان از این معاهده‌ها اغلب فولکلور ملی مانند رقص،

غنا و لباسهای مردانه و زنانه و غذاهای وطنی و ملی و صنایع دستی و مانند آن است. بهره‌کشورهای اجنبی نیز عبارت است از برپا کردن مراکز فرهنگی همیشگی و جذب کردن شخصیت‌های فکری و فرهنگی از کشورهای اسلامی. این مراکز در جهت ایجاد پایگاههای نامه‌نگاری عمل می‌کنند و در پی افراد مؤثر در جامعه می‌گردند (علی بن ابراهیم، التنصیر: ۱۳۲).

۴. گفت‌وگو وسیله تبلیغ مسیحیت

مبلغان مسیحی برای برآورده شدن ارزشهای خود و محقق شدن شکلهایی که خود در عقاید مسلمانان وارد ساخته‌اند از گفت‌وگو بهره می‌گیرند. در همایش مبلغان مسیحی که در سال ۱۹۷۸م در کلورودا برگزار گردید، دانیل آر پروستر بحثی را تحت عنوان «گفت‌وگو بین مسیحیت و مسلمانان و ارتباط وثیق آن با تبلیغ مسیحیت» بیان داشت و در آن از اهمیت این وسیله سخن گفت و همینطور نگرانیهای خود را از اینکه گفت‌وگو موجب گرویدن گفت‌وگو کنندگان به اسلام گردد بیان داشت (همان: ۱۶).

۵. برپایی جشنهای میلاد مسیح در میان مسلمانان

در این جشنها به مناسبت فرارسیدن اعیاد مردم به همدیگر تبریک می‌گویند. عید میلاد حضرت مسیح، روز کریسمس، عید اول سال، عید قیامت و اعیاد دیگری که در مسیحیت وجود دارند، از آن جمله‌اند. و مبلغان مسیحی فرزندان مسلمان را در شرکت در این اعیاد تشویق می‌کنند تا روحیه دوستی دوجندان گردد. از همین جاست که مبلغان مسیحی فرزندان اسلام را به مسیحیت دعوت می‌کنند و یا حد اقل از آنها می‌خواهند تا پایبندی به دین خود را ترک گویند.

۶. توزیع صلیب در هر جا و در هر زمان

علامت صلیب را می‌توان روی لباس، ماشین، ظرف، طلا و در هر جایی یافت که در معرض دید قرار بگیرد و خودنمایی کند. عکس حضرت مریم عکس حضرت عیسی و یا عکس انجیل و غیر آن را می‌توان در هر جا دید. از این طریق پذیرفتن مسیحیت آسان می‌شود. به خصوص این نمادها را می‌توان در کشورهای پذیرفته‌شده در آن توجه زیادی به ترویج عقیده صحیح وجود ندارد.

۷. مشارکت در ورزش، هنر و نمایش نامه‌ها

شاید بخش اعظم فعالیت‌های هنری و ورزشی در معنای عام خود در مبادله فرهنگی داخل گردد. گام‌های عملی و بسیار روشن در عرصه هنر و ورزش وجود دارد که در آن رد پای تبلیغ مسیحیت دیده می‌شود. این امر را می‌توان در ورزشکاران مسیحی در کشورهای اسلامی دید که صلیب را به گردن خود آویزان می‌کنند و یا در آغاز مسابقات با دستهای خود به تثلیث اشاره می‌کنند. چنان که همین کار را حاکمان مسیحی انجام می‌دهند. فرزندان مسلمان که در آن مسابقه‌ها شرکت می‌کنند و طرفدار بازیگران هستند، فریفته این حرکات می‌شوند و آنها را دوست می‌دارند و از حرکات آنها تقلید می‌کنند و نامهای آنها را به زبان می‌آورند. در جام جهانی ۲۰۰۲ م در ژاپن و کره بسیار واضح بود که بازیکنان زیر لباس ورزشی خود لباسهایی را پوشیده بودند که از این طریق پیوند عاطفی خود را با حضرت عیسی بن مریم (ع) نشان می‌دادند (همان: ۱۴۱).

۸. فریب دادن کودکان مسلمانان با قصه و غیر آن.

جون موت، مبلغ مسیحی، می‌گوید: «لازم است در همه تبلیغات خود به کودکان توجه نماییم. به این صورت که بخش عمده فعالیت تبلیغی خود را به کودکان

کشورهای اسلامی اختصاص بدهیم، زیرا اثر ویرانگر و تباه کننده اسلام به این صورت زود هویدا می‌شود (فوزی غزال، همان: ۸۹-۹۴).

۹. ربودن کودکان و مسیحی نمودن آنها و یا فرستادن آنها به کشورهای مسیحی

اکنون از این روش در برخی از کشورهای فقیر آفریقایی استفاده می‌شود و رسانه‌های جمعی گاهی اخبار دردآوری از ربوده شدن کودکان را به هدف فوق گزارش می‌دهند (علی بن ابراهیم، همان: ۹۲-۹۳)

۱۰. مشابهت کلیسا با مساجد در نامگذاری و ساختمان

مبلغان مسیحی کلیساهای خود را در برخی از کشورهای اسلامی «بیت‌الله» یعنی خانه خدا نام می‌گذارند تا مسلمانان به سوی آن جذب گردند و حتی کلیساهای خود را به شکل مسجد درست می‌کنند. آنان در اندونزی در جزیره فقیر جاوه چنین کاری را انجام داده‌اند. انجمن جهانی کلیسا در آنجا بیش از سی کلیسا را به صورت مسجد درست کرده و بر آنها اسم «بیت‌الله» نهاده و با پیشرفته‌ترین وسائل پزشکی، آموزشی و رفاهی آنها را مجهز ساخته است. در آنجا به جای اینکه بر صندلی بنشینند، روی زمین می‌نشینند و به جای سرود روحانی از ترتیل استفاده می‌کنند (فوزی غزال، همان: ۱۰۰). مبلغان مسیحی در آنجا برای خواندن انجیل در برخی از رسانه‌های دیداری و شنیداری نیز از کلمه ترتیل استفاده می‌کند.

۱۱. اشاعة الحاد بين مسلمانان

مسیحیان دانسته‌اند که مسیحیت در جوامع اسلامی که پایبند به اسلام‌اند مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد و به همان اندازه که مسلمان به دین خود پایبندند، از مسیحیت متنفرند. چون مسیحیان از اینکه مسلمانان را به سوی مسیحیت بکشانند ناامید گشته‌اند، به این امر راضی شده‌اند که مسلمانان را از دین خود خارج نمایند،

هرچند به مسیحیت نپیوندند یکی از مبلغان مسیحی به نام زویمر می‌گوید: هدف شما این باشد که مسلمان را از اسلام خارج سازید تا جایی که شخص مسلمان دیگر هیچ ارتباطی به خدا نداشته باشد و در نتیجه هیچ پابندی به اخلاق که همه آنها در زندگی خود بر آن تکیه نموده‌اند نداشته باشد. با این کار خود، شما در واقع توانسته اید باب به استعمار کشاندن کشورهای اسلامی را بگشایید ... وی می‌گوید: شما با این کار خود زمینه‌ای را ایجاد می‌کنید و افرادی را می‌سازید که هیچ ارتباطی به خدا ندارند و نمی‌خواهند خدا را بشناسند و مسلمانان را از اسلام خارج می‌سازید در نتیجه جامعه جدید اسلامی مطابق خواست استعمار بنا شده است که به مقدسات دینی اهمیت نمی‌دهند و راحتی و تنبلی را دوست دارند، اگر آموزش می‌بینند به خاطر شهوت و خوشگذرانی است، اگر ثروتی جمع می‌کنند، باز به خاطر خوشگذرانی است و اگر مراکز مهمی را بنا می‌کند، باز به خاطر خواسته‌های نفسانی است (دیابکرلی، تنصیر المسلمین: ۲۰).

۱۲. تحریف قرآن کریم و بی‌احترامی به آن

مبلغان مسیحی و کسانی که در حوزه تبلیغ مسیحیت فعالیت می‌کنند، به خوبی آگاه هستند که از بین بردن اسلام ممکن نیست مگر زمانی که قرآن را از بین رود. به همین دلیل است که مبلغان مسیحی و همکاران آنها هر چند وقت یک‌بار تلاشهایی جهت تحریف سوره‌هایی از قرآن کریم و بی‌احترامی به این کتاب مقدس انجام می‌دهند. این امر در زمان اشغال افغانستان و عراق از سوی آمریکا صورت گرفت.^(۱) قرآنیایی تحریف شده چاپ شده است که بعضی از واژگان آن افتاده و یا تحریف شده و برخی از آیات حذف شده است و حتی در برخی موارد تمام یک سوره نیامده است.

۱۳. ساخت تعداد زیادی کلیسا و توجه به آن

مبلغان مسیحی به ساخت کلیسا در کشورهای اسلامی و حتی در جاهایی که یک نفر مسیحی هم در آنجا زندگی نمی‌کند علاقه‌منداند تا شروعی برای فعالیت تبلیغ مسیحیت در آن منطقه باشد و برخی از اهدافی که مبلغان مسیحی دارند از این طریق محقق گردد. به این دلیل، مبلغان مسیحی علاقه بسیار به ساخت کلیسا و مدارس سر به فلک کشیده با معماری زیبا دارند تا در عقول؛ عواطف و خیالات بینندگان تأثیر گذارد. این کار به اعتقاد مبلغان مسیحی، غیرمسیحی را به مسیحیت نزدیک می‌کند (خالدی و فروخ، التبشیر و الاستعمار ۱۹۸۳: ۲۰۸)

۱۴. جهانگردان

جهانگردان و جغرافیدانان از سوی دانشگاهها و انجمنهای علمی و پژوهشی به منظور بررسی مسائل جغرافیایی و طبیعی که نیاز به کسب اطلاعات علمی دارند، به عنوان اردوهای علمی به کشورهای اسلامی و غیراسلامی فرستاده می‌شوند. اعزام این گروهها در واقع هسته و نمونه‌ای برای کسب کارهای علمی در جهت تحقق اهداف غیر علمی است.

۱۵. زن

زن در همه ابعاد زندگی انسان و جامعه تأثیر فراوانی دارد. زن تواناییهایی دارد که می‌تواند در جهت اهداف مبلغان مسیحی و غیر مبلغان مسیحی استفاده شود. زن، مادر است و به عنوان مادر تأثیر بسیار بر فرزندان خود دارد. زن، همسر است و به عنوان همسر نیز تأثیر فراوانی بر شوهر خود دارد.

تا جایی که به زن مسلمان مربوط می‌شود، تلاشهای بسیاری از سوی مبلغان مسیحی به نام آزادی و پیشرفت صورت می‌گیرد تا زن مسلمان را از موقعیت و

جایگاهی که دارد خارج کنند و آنگاه زنان را در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی وارد سازند که لزوماً ضرورتی هم در حضور آنها نیست. اگر به یاد بیاوریم که از جمله اهداف مبلغان مسیحی شبهه پراکنی در میان مسلمانان مصر است، در می یابیم که از کارآمدترین روشهای تحقق این هدف، سخن گفتن در مورد جایگاه زن در اسلام و حقوق زن و وظایف زن در اسلام و غرب است. این مباحث برای عموم مردم و به خصوص برای زنان بسیار جالب توجه است. به همین دلیل است که می بینیم تعدادی از انجمنهای زنان در جهت انتقال زنان از جامعه اسلامی به جامعه غربی فعالیت می کنند و از طریق ترویج و تبلیغ بی حجابی و آرایش، زنان را به پذیرش فرهنگ غربی تشویق می نمایند.

سخن در مورد زنان همواره دارای حساسیت است و جنبه تبلیغی و رسانه ای آن به خصوص جنبه روزنامه نگاری آن بیشتر غلبه دارد. شعارهایی سر داده می شود و در پاره ای از موارد سوء فهمهایی صورت می گیرد.

۱۶. کارمندان

استخدام کارمندان مسیحی در جوامع اسلامی در سطوح مختلف و با توجه به تخصص آنها اعم از پزشکان، پرستاران، داروسازان و صاحبان حرفه و فن، یکی دیگر از این ابزارهاست. این وسیله در برخی از جوامع کشورهای عربی و اسلامی بسیار خوب جواب داده است، زیرا صدها هزار نیروی انسانی فنی و غیر فنی مشغول کار و فعالیت اند و همراه آنها برخی از مبلغان مسیحی در لباس پزشک، پرستار، کارگران فنی و کارگران ساده به فعالیت می پردازند. این افراد برای تثبیت موقعیت مسیحیت و حمایت از آنان در میان مسلمانان، با برپایی شعائر خود که در برخی مناطق آن را به صورت مخفیانه و در برخی مناطق دیگر به صورت علنی انجام می دهند مشغول فعالیت اند و از این طریق تلاش می کنند تا جوانان مسلمان را

اعم از پسر و دختر و توده مردم به مسیحیت دعوت نمایند. اغلب افراد بی‌سواد نمی‌توانند خطر مسیحیت را به خوبی تشخیص بدهند. برخی هم به این امور بی‌توجه‌اند و همین که بفهمند کسانی از خارج آمده‌اند، فضای مناسبی را ایجاد می‌کنند و راجع به کار و محصولات خارجی نظر مثبت دارند.

این وسیله از جمله موضوعاتی بود که گردهمایی ششم مبلغان مسیحی که در سال ۱۹۸۰م در ولایت متحده آمریکا برگزار شد، بر آن متمرکز شد و یکی از سران انجمن مبلغان مسیحی با تأکید بر این مسئله چنین بیان داشت: «ورود مسیحیت به کشورهای همواره بر روی مسیحیت بسته بود اکنون باز شده است و این امر از طریق شرکت‌های ملی صورت می‌گیرد و فرصتی استثنایی برای مبلغان مسیحی در این عرصه به وجود آمده است که هیچ مرزی ندارد، زیرا آنها نیاز مبرم برای پیشرفت کشور خود دارند (عکاشه علی، ملامح عن النشاط التنصیری: ۳۲).

۱۷. تجارت و اقتصاد

بی‌شک تجار و کارگران نقش مهمی در انتقال افکار و اندیشه از یک جا به جای دیگر دارند. ما می‌دانیم که اسلام در آسیا و آفریقا در درجه اول از طریق تجارت انتشار یافت. تجار و کارگران غربی با خود اندیشه‌های غربی را به کشورهای اسلامی می‌آوردند و به صورت مخفیانه بدون اینکه جلب توجه نمایند برای کلیسا کار می‌کنند. فرانسویان همین کار را در لبنان، سوریه، مغرب عربی، جنوب صحرای بزرگ و کشورهای دیگری که آن را اشغال کرده بودند انجام داده‌اند. انیس صایغ در کتاب خود تحت عنوان *لبنان الطائفی* می‌نویسد: فرانسه خود را در شرق و به ویژه لبنان حامی مسیحیان می‌شمرد. فرانسه این سیاست پنهانش را در لباس دینی انجام می‌داد و رابطه تجاری و فرستادن مبلغان مسیحی بین لبنان و فرانسه متعهد می‌گردید. فرانسه توجه خود را به امور تجاری افزایش داد و کتابخانه‌هایی را تأسیس کرد و

مراکز ثابتی را برای تسهیل در کارهای خود راه اندازی نمود. هنوز نیز با استفاده از این ابزارها به صورت مؤثر مشغول فعالیت است. به ویژه زمانی که اکثر کشورهای اسلامی در پیوستن به قطار تمدن مادی جدید مصرانه کوشند و هنوز از کمبود نیروی متخصص انسانی به صورت محلی و بومی رنج می‌برند. کشورهای اسلامی مجبور شدند تا از کشورهای خارجی قرض بگیرند و از شرکتهای خارجی تقاضا کردند تا همراه با متخصصان خارجی خود در کشورهای اسلامی سرمایه‌گذاری نمایند. چه بسا آنان نیز برخی از کارگران محلی را استخدام کردند و شیوه و الگوی اداری خود را برای آنها دیکته نمودند و از این طریق آنچه را می‌خواستند وارد ساختند.

۱۸. توسعه

یکی از ابزارهای جدید تبلیغ مسیحیت عبارت است از شرکت انجمنهای تبلیغی مسیحیت در عرصه‌های توسعه با شعار «از کلیسا تا جامعه». برای این کار انجمنهایی مانند «انجمن مجلس کلیساها جهت شرکت در توسعه» تأسیس شده است. این انجمن در زمینه توسعه در ابعاد گوناگون مانند برنامه‌های کشاورزی در روستاها و برگزاری دوره‌های کارورزی در عرصه‌های گوناگون تکنیکی، هنری و فنی و پرداخت وام به کشاورزان از طریق مؤسسات «واحد وام» و برنامه‌های مهاجرت داخلی و مانند آن فعالیت می‌کند (اندونسی، غارة تبشیریه جدیدة علي اندونسیا ۱۹۸۴: ۸۸ - ۹۰). این انجمنها به صورت مستقیم در این عرصه‌ها شرکت می‌کنند و از طریق این برنامه‌ها، برای برآورده شدن اهداف خود تلاش می‌کنند. اگر سهمی شدن در این برنامه‌ها هدف نمی‌بود، مبلغان مسیحی می‌توانستند بگویند تلاش می‌کنند تا ضعفها و عقب ماندگیهای جوامع را برطرف نمایند و مردم را از اسارت عقب ماندگی و نادانی و کمبود امکانات نجات بدهند. اما این کار ممکن است

موجب مقاومت و موضعگیری مردم در قبال مبلغان مسیحی بشود. لذا مسیحیان با اتخاذ این شیوه، از تبلیغ حساسیت برانگیز است دست کشیده‌اند و برنامه‌های تبلیغی خود را در قالب برنامه توسعه و خدمات رفاهی انجام می‌دهند که مردم و حکومت به آن حساسیت نشان ندهند.

چگونگی مقابله با تبلیغ مسیحیت

- برای مقابله با تبلیغ مسیحیت راههایی وجود دارد. البته لازم است در ابتدا وسائلی و روش تبلیغ آنها را بشناسیم و آنگاه راههای مقابله با آن را فراگیریم. برخی از آن راهها به صورت مختصر در ذیل بیان می‌گردد:
۱. گسترش فعالیت دعوت به خداوند در میان مسیحیان، اعم از مسیحیانی که در میان مسلمانان در کشورهای اسلامی زندگی می‌کنند و سایر مسیحیان.
 ۲. تبلیغ دانش دینی صحیح بین مسلمانان و آگاه ساختن مسلمانان به مسائل دینی مانند عقاید، احکام و اخلاق تا متأثر از آموزه‌های دیگران نگردند.
 ۳. مراقبت از جوانان اعم از پسر و دختر تا متأثر از تهاجم فرهنگی و رفتار منحرف نگردند. از سوی دیگر، باید تلاش شود تا پیوند جوانان با دین محکم گردد و خود مسئولیت دفاع از دین را به عهده گیرند و مواظب دامهایی که برای جوانان گذاشته شده باشند.
 ۴. بیدار بودن و هوشیار بودن نسبت به فعالیتهای مبلغان مسیحی و توجه به انواع وسائلی تبلیغی مسیحیان و اجتناب لازم از آنها.
 ۵. کمک به مؤسسات پزشکی خیریه اسلامی تا تلاش آنها به بار بنشیند و نیاز به حضور پزشکان مسیحی نباشد.
 ۶. ایجاد شبکه‌های ماهواره‌ای و رادیویی به منظور تبلیغ اسلام ناب برای همه جوامع و به همه زبانهای زنده دنیا.

۷. مقابله و مبارزه با همه تبلیغاتی که به نحوی به مسیحیت مرتبط است.
۸. عدم استخدام کارمندان مسیحی در کشورهای اسلامی.
۹. ایجاد پایگاه‌های اینترنتی و تالارهای گفت‌وگو جهت بررسی مسیحیت و پژوهشها و سخنرانیهای مناسب راجع به مسیحیت.
۱۰. تهیه و توزیع مجله‌ها و راهنماهای مختصر به زبانهای گوناگون، راجع به مسیحیت و خطر تبلیغ مسیحیت.
۱۱. مقاوم ساختن جوانانی که به خارج سفر می‌کنند در برابر تبلیغ مسیحیت، چه جوانانی که برای تحصیل به خارج مسافرت می‌کنند و چه کسانی که برای کار و مانند آن به خارج می‌روند. این کار را می‌توان به دو صورت انجام داد:
الف) آموزش صحیح شرعی که از این طریق می‌توان جوانان را در برابر شبهات مقاوم ساخت.
ب) دین و ورع و ترس از خداوند که این امر جوانان را در برابر لغزشها و شبهات مقاوم می‌سازد. جوانان باید با اهداف مسیحیت آشنا گردند و همچنین از نقشه‌ها و طرحهای مسیحیت آگاه گردند و آموزه‌های اسلامی برای آنها درونی شود.

پی‌نوشت

-
- (۱). قابل یادآوری است که افغانستان از سوی آمریکا اشغال نشده است، بلکه نیروهای آیساف از سوی مجامع بین‌المللی با توافقی که بین دولت افغانستان و مجامع بین‌المللی در بن صورت گرفت، به افغانستان آمده‌اند. مترجم.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. عکاشه علی، إبراهيم، ملامح عن النشاط التنصيري، رياض، جامعة محمد بن سعود الإسلامية، ۱۹۸۷.
۳. ابن منظور، جمال الدين، لسان العرب. بی تا، بی جا، بی نا.
۴. الاندونیسی، ابوهلال، غارة تبشيرية جديدة علي أندونيسيا، جدة، دار الشروق، ۱۹۸۴.
۵. أحمد عبدالوهاب. حقيقة التبشير بين الماضي والحاضر، قاهره، مكتبة وهبة، ۱۹۸۱.
۶. فيروز آبادي، مجدالدين محمد بن يعقوب، القاموس المحيط.
۷. شلبي، كرم، الاذاعات التنصيرية الموجهة إلى المسلمين العرب، قاهره، مكتبة التراث الإسلامي، ۱۴۱۲ق/ ۱۹۹۱.
۸. طياوي، عبداللطيف، المستشرقون الناطقون بالانجليزية.
۹. عبدالله التل، جذور البلاء، بيروت، المكتب الإسلامي، ۱۹۸۸.
۱۰. ديار بكرلي، عبدالرزاق، تنصير المسلمين، رياض، نشر دار النفائس.
۱۱. شلبي، عبدالودود، الزحف إلى مكة: حقائق ووثائق عن مؤامرة التنصير في العالم الإسلامي، قاهره، الزهراء للإعلام العربي، ۱۴۰۹ق/ ۱۹۸۹.
۱۲. على بن إبراهيم، «الاستشراق في خدمة التنصير واليهودية» مجلة جامعة محمد بن سعود الإسلامية، ۱۴۱۰ق/ ۱۹۹۰.

١٣. علی بن ابراهیم، التنصیر، مفهومه وأهدافه ووسائله وسبل مواجهته.
١٤. عثمان بن صالح، محمد، النصرانية والتنصیر أم المسيحية والتبشير: دراسة مقارنة حول المصطلحات والدلالات، مدینه، مكتبة ابن القيم، ١٤١٠ق / ١٩٨٩.
١٥. زبيدي، محمد مرتضي، تاج العروس من جواهر القاموس.
١٦. فوزي غزال، مصطفى، الحيل والاساليب في الدعوة إلى التبشير.
١٧. خالدی، مصطفى؛ فروخ، عمر، التبشير والاستعمار في البلاد العربية: عرض لجهود المبشرين التي ترمي إلى إخضاع الشرق للاستعمار الغربي، بيروت، المكتبة العصرية، ١٩٨٣.
١٨. ممدوح حسين، مدخل إلى تاريخ حركة التنصير، عمان، دار عمان، ١٤١٦ق / ١٩٩٥.
١٩. الموسوعة الميسرة في ايدیان والمذاهب المعاصرة، رياض، الندوة العالمية للشباب الإسلامي، ١٤٠٩ق / ١٩٨٩.
٢٠. عقيقي، نجيب، المستشرقون قاهره، دار المعارف، ١٩٨١.
٢١. هيم ماكبي، بولس وتحريف المسيحية، ترجمه سميرة عزمی الزين، المعهد الدولي للدراسات الإنسانية، ١٤١١ق / ١٩٩١.